

روزنه

آغاز پروژه «کلکین» با محور مهارت‌آموزی و اشتغال‌زایی برای زنان افغانستان

پنجره را باز کن



● پروژه آموزش دیزاین و ایجاد فرصت‌های شغلی برای زنان و دختران افغانستانی در راستای اعتراض به شکاف به‌وجودآمده در حق دسترسی آنها به فضاهای رسمی آموزشی به مناسبت هشتم مارس روز جهانی زن، آغاز به کار کرد. «کلکین» که در پارسی دری یعنی پنجره، نام پروژه‌ای آموزشی و داوطلبانه در زمینه دیزاین است که با همکاری دیزاینرها و طراحان ایرانی اجرا خواهد شد. در این پروژه و از طریق یک فراخوان عمومی، زنان و دختران افغانستانی علاقه‌مند و مستعد شناسایی شده و در یک دوره آموزشی سه‌ماهه مهارت‌های مختلفی را در قالب ورک‌شاپ‌های تئوریک-عملی در زمینه دیزاین قالب و گرافیک کسب می‌کنند. برگزارکنندگان این پروژه اعلام کرده‌اند کلکین تلاشی است برای تداوم مسیر مهارت‌آموزی زنان افغانستانی که به دلیل شرایط سیاسی حاکم بر این کشور، از آموزش و دسترسی به بازار کار محروم شده‌اند. گروه هدف این برنامه، علاقه‌مندان یا هنرجویان و دانشجویان رشته‌های گرافیک، طراحی و دیزاین ساکن افغانستان یا آنهایی هستند که به‌تازگی ناچار به ترک این کشور شده‌اند. **آشنایی با نیازهای کسب‌وکاری در حوزه دیزاین:** در پروژه کلکین همراه با کلاس‌های آموزشی آنلاین دیزاین در سرفصل‌های مختلف، دو پنل با عناوین «انتقال تجربه» و «نیازسنجی بازار کار دیزاین» نیز برگزار خواهد شد تا ضمن تقویت کیفیت دوره، امکان شبکه‌سازی با صاحبان کسب‌وکار هم برای شرکت‌کنندگان فراهم شود. در پنل «انتقال تجربه» دیزاینرهای ایرانی نام‌آشنا و خیره حضور خواهند داشت تا از تجربیات کاربردی خود با هنرجویان صحبت کنند و دانش تجربی خود را با آنها در میان بگذارند. پنل «نیازسنجی بازار کار دیزاین» هم به منظور آشنایی هنرجویان دوره با فرصت‌های شغلی و نیازهای بازار کار دیزاین در ایران و جهان برگزار خواهد شد.

همراهان کلکین: تاکنون برخی از شرکت‌های شناخته‌شده ایرانی همراهی خود را با این پروژه اعلام کرده‌اند. شرکت‌هایی مانند نشر «نظر»، مؤسسه «سروش مولانا»، مجموعه «فرهنگان»، «فلائیوو»، «یکتات»، «تکسا»، «نفیسی»، «مدیانا»، «مودو»، «مئل اند موژ»، «آبی»، «پایا»، «صراف» و… که علاوه بر مشارکت در برگزاری پنل‌ها، تعهد داده‌اند فرایح‌التحصیلات پروژه کلکین را در صورت مهیابودن فرصت‌های شغلی مرتبط (دورکاری یا آزادکاری) در درون کسب‌وکارشان، در اولویت انتخاب قرار دهند. پروژه کلکین همچنین رسانه‌ها و نشریات مختلفی را به‌عنوان همراهان رسانه‌ای در کنار خود دارد. از این جمله می‌توان به رسانه‌های «بخارا»، «مروارید»، «تجربه»، «مجله زنان»، «مدیریت ارتباطات»، «روزروز» و… اشاره کرد. کلکین یک پروژه مسئولیت اجتماعی بین‌المللی است که به همت شرکت بین‌المللی «وند» برگزار می‌شود و تیمی از داوطلبان آن را رهبری می‌کنند. توجوح صابری‌وند مدیر برنامه‌ریزی، میترا فردوسی، مدیر ارتباطات کلکین و مسعود شاه‌حسینی، نیما وفابخش، نازنین آهنی، جلیل نوربخش، اشکان الهپهاری، حامد شجاعی و فاطمه شیرافکن نیز دیگر همکاران و برگزارکنندگان آن هستند. برای اطلاع از جزئیات فراخوان، شرکت در دوره‌های آموزشی یا چگونگی همراهی با پروژه کلکین می‌توانید به وب‌سایت /www.vandint.org.uk/ kelkin یا صفحه اینستاگرام @vand.international مراجعه کنید یا به آدرس /www.vandint.org.uk/kelkin ایمیل فرستید.

خبر

خانه‌های امن زنان ساخته نه، تخریب می شوند

● **شرق:** یکی از اصلی‌ترین مراکزى که می‌تواند به عنوان عاملی کنترل‌کننده در خشونت علیه زنان نقش ایفا کند، خانه‌های امن است. خانه‌هایی که از زنان و دختران در مقابل خشونت موجود در خانواده‌هایشان محافظت کرده و شرایط زندگی آنها را تسهیل می‌کند. در شرایطی که انتظار می‌رود به تعداد این مراکز در کشور اضافه شود، ما شاهد بسته‌شدن آنها هم هستیم. آخرین خبر هم درباره خانه خورشید بود. مرکزی برای زنان آسیب‌دیده و دچار اعتیاد که کارش را از بهمن‌ماه سال ۸۵ آغاز کرده بود. بهمن‌ماه ۱۴۰۰ و پس از ۱۵ سال فعالیت بسته شد. لیلا ارشد، بنیان‌گذار این مرکز، بدون نام‌بردن از فرد نمی‌تواند خاصی این خبر را اعلام کرد و گفت: «دیگر نمی‌خواهند سازمان‌های مردم‌نهاد و ان‌جی‌اوها مانند گذشته فعالیت کنند. به گفته او در ۱۷ سال گذشته، دوهزارو ۵۰۰ نفر تحت پوشش این مؤسسه بوده‌اند که ۶۰۰ نفر از آنها بهبود یافته‌اند.» او درباره فشارهایی که منجر به فعالیت آنها شد، می‌گوید: «از سال ۹۷ از اهدافمان فاصله گرفتیم.

جامعه

نگاهی به آخرین زن‌کشی‌های منتسب به ناموس در ایران

پرونده‌های زن‌کشی در انتظار رسیدگی قانونی



شرق: نمی‌شود درباره زنان در ایران حرف زد و به اخبار تلخ و تکان‌دهنده سال‌های اخیر بی‌توجه بود؛ اخباری که هر بار از یک نقطه از کشور برخاست و حکایت از ریختن خون یک زن داشت؛ آن‌هم با نام ناموس، غیرت و آبرو، درحالی‌که به نظر می‌رسید قتل رومینا اشرفی فجیع‌ترین شکل زن‌کشی در ایران خواهد بود، خبری دیگر در زمستان امسال افکار عمومی را به‌شدت متأثر کرد. عصر روز شنبه ۱۶ بهمن یک مرد جوان، سر همسر ۱۷ساله خود را با انگیزه «ناموسی» برید و در خیابان چرخاند. ویدئوی این حادثه در شبکه‌های اجتماعی چرخید و پلیس مدتی بعد اعلام کرد ضاربان را دستگیر کرده است؛ اما دستگیری این افراد اذهان

عمومی را آرام نکرد. زن‌کشی‌های منتسب به ناموس، اتفاق جدیدی نیست و سابقه جدی‌تری در ایران دارد. همان‌طور که در سایر کشورهای دنیا چنین جنایت‌هایی رخ می‌دهد، ایران نیز با این آسیب اجتماعی روبه‌رو است و هدف فعالان اجتماعی و حقوق‌دانان استفاده از روش‌های است که بتوان آمار این فجایع را به حداقل رساند. اردیبهشت سال ۱۳۹۳ هادی مصطفایی، معاون وقت مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی، گفته بود حدود ۱۹ درصد قتل‌ها در کشور با انگیزه ناموسی صورت می‌گیرد. به گفته این مقام پلیس، حدود ۶۲ درصد «مقتولان زن به دست بستگانشان» به قتل رسیده‌اند که البته احتمالاً اشاره‌ای به آمارهای همان سال است. آمارى هم در سال ۱۳۸۸ منتشر شده بود که حکایت از قتل ۱۵ زن در اواز داشت که قربانی «قتل ناموسی» شده بودند؛ آمارى که معادل حدود ۲۵ درصد از کل قتل‌های گزارش‌شده در شهر اواز در همان سال بود. با وجود گذشت سال‌های زیادی از این آمار، تمهیداتی برای کاهش این فجایع در نظر گرفته نشده است.

ابراهیم نیکدل‌قدم، وکیل پرونده رومینا اشرفی،

با مقایسه این پرونده و آخرین زن‌کشی، یعنی قتل

برابری جنسیتی امروز، برای فردایی پایدار

روسیه در تقویم سزاری که در آن زمان در روسیه به کار می‌رفت، روز ۲۳ فوریه بود. این روز در تقویم گریگوری که در دیگر کشورها مورد استفاده قرار می‌گرفت، با به‌عنوان موضوع جشن این روز در سال ۲۰۲۲ اعلام کرد. در بیانیه سازمان ملل آمده است که سال ۲۰۲۲ برای دستیابی به برابری جنسیتی در زمینه تغییرات آب‌وهوایی و کاهش خطرات زیست‌محیطی و بلایای طبیعی که برخی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهانی قرن بیست‌ویکم هستند، بسیار مهم است.

امروز برابری جنسیتی وجود نداشته باشد، آینده‌ای پایدار و برابر غیرقابل دسترس است؛ اما برای رسیدن به برابری جنسیتی باید تعصبات گذشته را مرور کرده و از بین برد. تعصب چه عمدی باشد و چه غیرعمدی راه را برای زنان دشوار می‌کند. تقریباً همه جوامع بر وجود تعصب به‌عنوان عاملی در مسیری برابری جنسیتی آگاه هستند؛ اما صرف اطلاع و آگاهی کافی نیست و باید اقداماتی اساسی برای هموارکردن مسیر صورت گیرد؛ اما سوآلی که اینجا مطرح می‌شود، آن است که آیا می‌توان در دنیایی که با جنک و نظامی‌گری دست به گریبان است، تعصب را از بین برد و بستر را برای برابری جنسیتی در همه زمینه‌ها از جمله زیست‌محیطی آماده کرد؟ زنان همواره نقش مهمی در ایجاد و اثبات صلح داشته و در دنبال این بوده‌اند تا زمینه را برای حضور برابر خود در بستری آرام و صلح‌آمیز فراهم کنند. در شرایط کنونی که جنک بین روسیه و اوکراین صلح جهانی را به خطر انداخته است، نگاهی به تاریخچه ۸ مارس و نقش زنان روسی در ایجاد صلح حائز اهمیت است.

سال‌های ۱۹۱۳ و ۱۹۱۴ میلادی در آستانه جنک جهانی اول، فعالان زن روس کمپینی برای صلح راه‌اندازی کرده و مراسم روز جهانی زن را برای اولین‌بار در کشورشان، در آخرین یکشنبه فوریه سال ۱۹۱۳ میلادی برگزار کردند. در همان سال، به دنبال بحث‌ها و مذاکراتی که انجام شد، روز هشتم مارس به‌عنوان روزی مشخص و ثابت برای برگزاری مراسم روز جهانی زن در نظر گرفته و تصویب شد. در سال ۱۹۱۴ میلادی، زنان بیشتری در سراسر اروپا جمعاتی را تحت عنوان کمپین علیه جنک برگزار کردند که نوعی تأکید فوریه سال ۱۹۱۷ میلادی بود که زنان روسیه اعتصابی را بنا عنوان «نان و صلح» در واکنش به مرگ بیش از دو میلیون سرباز روسی در جنک، برگزار کردند. با وجود مخالفت رهبران سیاسی روسیه، زنان این کشور تا چهار روز به اعتصاب‌شان ادامه دادند. با پیوستن گروه‌هایی از دیگر طبقات جامعه روسیه به این اعتصاب، در نهایت تزار روسیه وادار به کناره‌گیری شد و دولت موقت این کشور هم به زنان حق رای داد. روز آغاز اعتصاب زنان

و قتل فجیع به‌درستی و آن چنان که باید بازدارنده باشد، برخورد نکردند و نتیجه آن شد که کمتر از دو سال بعد، شاهد یک اتفاق تلخ‌تر هستیم و یک جان دیگر هم تلف شد. دختری که اتفاقاً تنها چند سال از رومینا بزرگ‌تر بود، ولی در نهایت هر دو اینها کودک هستند.»

این در حالی است که نگاهی مجدد به قوانین کشور می‌تواند تا حد زیادی نسبت به این حوادث تلخ بازدارندگی ایجاد کند. علی مجتهدزاده، وکیل دادگستری، در این‌باره می‌گوید: «مجازات اسلامی در بخش مربوط به جرم «قتل عمد»، نیازمند یک بازنگری اساسی است. حداقل این اصلاح باید ایجاد یک درجه‌بندی منطقی برای انواع «قتل عمد» باشد. این در حالی است که باز هم لازم است یادآوری شود که همین طبقه فعلی این را که چنین فردی لازم است برای مدتی اقامت اجباری در محل دیگری (تبعید) داشته باشد نیز این را که چنین فردی لازم است برای مدتی اقامت اجباری در محل دیگری (تبعید) داشته باشد نیز این را که چنین فردی لازم است برای مدتی اقامت محض، قتل شبه‌عمد و قتل عمد ایرادات اساسی دارد. در واقع فقدان درجه‌بندی برای «قتل عمد» یکی از امتیازاتی است که غیرمستقیم و ناخواسته از سوی قانون به مرتکبان قتل‌های ناموسی اعطا می‌شود. جنایتی همچون قتل ناموسی، نه از نظر انگیزه و نه از نظر تأثیر جنبه اجتماعی و

عمومی جرم با مواردی مانند قتل‌های ناخواسته و اتفاقی قابل قیاس نیست؛ اما در عمل قانون در میحث مربوط به «قتل عمد» زمینه‌ای فراهم کرده که یک قاتل ناموسی به‌مراتب با خیالی آسوده‌تر از مجازات خود در نسبت با کسی که به شکل اتفاقی مرتکب قتل شده، در محضر دادگاه حاضر می‌شود.»

این وکیل دادگستری همچنین خاطر‌نشان می‌کند: «آنچه گفته شد، تنها و تنها یکی از مشکلات حقوقی در خصوص قتل‌های ناموسی است که این کار را کم‌هزینه می‌کند. شکی نیست که خلایح حقوقی و قانونی برای حمایت از زنان، دادن استقلال بیشتر به آنها، تعیین منطقی سن ازدواج و پایان‌دادن به پدیده کودک‌همسری و امثال اینها هم

ازجمله مشکلاتی در حوزه قانون هستند که زمینه را برای بروز مکرر پدیده قتل‌های ناموسی فراهم

می‌کنند.»

آمار زن‌کشی در ایران از این نظر درخور توجه بیشتری است که در سال‌های اخیر و به‌ویژه پس از ماجرای دردناک قتل رومینا به دست پدرش، سوزاک‌زاده، مقابله با این فجایع به‌هیچ‌عنوان از سوی قانون‌گذاران و قانون‌نویسان در دستور کار قرار نمی‌گیرد. شب پنجشنبه ۹ دی‌ماه امسال، نگین شوشتری که خودش قربانی کودک‌همسری بود، به علت درخواست طلاق با شلیک اسلحه توسط همسرش به قتل رسید. چند ماه قبل‌تر از آن نیز اعضای ایجاد یک درجه‌بندی منطقی برای انواع «قتل عمد» باشند. این در حالی است که باز هم لازم است یادآوری شود که همین طبقه فعلی انواع قتل به چهار نوع دفاع مشروع، قتل خطای محض، قتل شبه‌عمد و قتل عمد ایرادات اساسی دارد. در واقع فقدان درجه‌بندی برای «قتل عمد» یکی از امتیازاتی است که غیرمستقیم و ناخواسته از سوی قانون به مرتکبان قتل‌های ناموسی اعطا می‌شود. جنایتی همچون قتل ناموسی، نه از نظر انگیزه و نه از نظر تأثیر جنبه اجتماعی و

آنچه اکنون در روسیه و اوکراین اتفاق می‌افتد، نیز تأثیرات جبران‌ناپذیری برای شهروندان این دو کشور دارد. به‌تازگی مسکو قانونی تصویب کرده است که به موجب آن پیش از اطلاعات کذب درمورد جنک ۱۵ سال زندان به همراه دارد. آیا تصویب چنین قوانینی نشان از محدودیت آزادی‌های مدنی ندارد؟ از طرف دیگر فشارهای بین‌المللی نیز شهروندان روسی را به طور حکومت قانون انکار شد و شبه‌نظامیان قدرت حکومت بر خیابان‌ها را با سلاح به دست آوردند. مسلم است که در چنین شرایطی، زنان بزرگ‌ترین بازنده هستند و باز هم به فضای خصوصی خانه‌های خود رانده می‌شوند.

ویژه‌نامهٔ نوروزی «اندیشه پویا» منتشر شد



منجی در آینه

به مناسبت پنجاه و پنجمین سالگرد گذشت فروغ فرخ‌زاد

اقتصاد در اسارت سیاست

سیاست در اسارت ترس

گفت‌وگو با محمود سرب‌العقلم در آستانهٔ قرن جدید

ایران بر لبهٔ تیغ

پیش‌بینی‌های عبده تبریزی محمد قاضلی، عباس عبیدی

خیالات روسی

پژوهشی دربارهٔ نگاه ژئوپلیتیک شوروی به پیوند مذهب و سوسیالیسم در ایران

عصر فترت و بیکاری

روزنامه‌نگاران به وقت توقیف روایت‌هایی از: فریدون صدیقی ناصر آملی، علی میرفتاح محمود شمس‌الواعظین و...

ما حال‌مان خوب است!

نامه‌هایی به آیندگان از آخرین سال قرن

سروش صحت، محمد جواد کاشی، مجید قیصری حبیبه جعفریان، شمیم مستقیم، مریم منوچهری و یادداشت‌هایی از:

علیرضار جایی، احمدزیدآبادی، احمد پورنجانی



اندیشه پویا ۷۸

اقتصاد در اسارت سیاست
سیاست در اسارت ترس
ایران بر لبه تیغ
خیالات روسی
عصر فترت و بیکاری
روزنامه‌نگاران به وقت توقیف
روایت‌هایی از: فریدون صدیقی ناصر آملی، علی میرفتاح محمود شمس‌الواعظین و...

ادامه از صفحه اول

دیپلماسی قدرت نرم در بست‌تحریم و پسا‌کرونا

همان چیزی که «گمشده» روابط عمومی است. قدرت نرم برخلاف قدرت سخت (قدرت نظامی و اقتصادی)، رفتار همراه با جذابیتی (فرهنگ، هنر و ادبیات) است که قابل رؤیت ولی غیرملموس است. قدرت نرم ذهن و ذائقه مخاطب را به تسخیر خود درمی‌آورد و مخاطب وارد یک گفت‌وگویی ذهنی و تعلق احساسی با فرهنگ فرستنده می‌شود. در واقع می‌توان گفت قدرت نرم دارای ناملموس ولی ارزشمند، حیاتی و مهم یک ملت است. در دوره کنونی که عصر ارتباطات و جامعه شبکه‌ای نام‌گذاری شده است، دیپلماسی عمومی معطوف به قدرت نرم و تأثیر بسزایی بر شناخت ملت‌ها از همدیگر و شکل‌گیری گفت‌وگوی فرهنگ‌ها به جای تضاد و تقابل فرهنگ‌ها دارد. روابط عمومی به‌عنوان یک نهاد ارتباطی در عرصه ملی و بین‌المللی، متولی و مجری دیپلماسی عمومی و قدرت نرم است. در دوره کنونی، مخاطبان روابط عمومی به مخاطبان ملی و محلی محدود نیست، بلکه با گسترش رسانه‌های اجتماعی و رسانه‌های آنلاین دارای مخاطبان و کاربرانی فراملی است. بنابراین استراتژی‌ها و رویکردهای ارتباطی و تولیدات رسانه‌ای باید با هدف شناساندن فرهنگ و هویت ملی به‌عنوان مهم‌ترین شاخص قدرت نرم و حرکت در راستای تأمین منافع ملی از طریق معرفی ظرفیت‌ها و فرصت‌ها باشد. در واقع روابط عمومی در دوران کنونی با در پیش گرفتن راهبرد دیپلماسی عمومی، سعی در تقویت قدرت نرم کشور در عرصه بین‌المللی را باید در برنامه اصلی خود قرار دهد. در دوره کنونی، به دلیل شیفت پارادایمی محتوا و اهمیت بصری‌سازی اطلاعات در دنیای آنلاین، تدوین و به‌اشتراک‌گذاری یک پیام ویدئویی، یک اینفوگرافی و یک موسیقی برابر با هزاران کلمه کتاب، سخنرانی و جلسات مذاکره رسمی سیاسی و اقتصادی است. ایجاد خوشنامی و تصویرسازی مثبت از فرهنگ و هویت ایرانی در ذهن افکار عمومی بین‌المللی، می‌تواند به توسعه و رونق اقتصادی ایران کمک کند؛ زیرا با رفع تحریم‌ها و گشودن مرزها، زیربنای مشارکت در سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ بین‌المللی در ایران، وجود یک تصویر و تجربه مثبت از جامعه و فرهنگ ایرانی و شکل‌گیری اعتماد اجتماعی است. از این رهگذر می‌توان گفت روابط عمومی می‌تواند علاوه بر کنشگری در توسعه گفت‌وگوهای ملی در داخل کشور، به تقویت و توسعه شناخت افکار عمومی جهانی از زیبایی‌ها، ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و توانمندیهای تاریخی، فرهنگی، هنری و علمی ایران یاری رساند. بر همین مبنا می‌توان گفت روابط عمومی ایرانی می‌تواند پیشران دیپلماسی عمومی و تقویت سرمایه اجتماعی و قدرت نرم در عرصه داخلی و بین‌المللی در دوران پساتحریم و وزارت امور خارجه و تمام نهادها، سازمان‌ها و شرکت‌های ایرانی که دارای مخاطب و مشتری بین‌المللی هستند، باید در دوران پساتحریم از رویکرد دیپلماسی عمومی برای ارتباط، تعامل و مدیریت تصویر و بازسازی تصویر و شهرت ایران و ایرانی و فرهنگ ایرانیان بهره بگیرند.

✦ **استاد یار ارتباطات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**



تسلی‌یابی در اعصار ظلمانی

جستارهایی از مایکل ایگناتیف با ترجمهٔ عبدالله کوتری مژده دقیقی، بیژن اشتری و... همراه با مؤخرهٔ **مصطفی ملکیان**

● **فاصله‌ای میان زندگی و مرگ جستاری از بابک احمدی**

● **هنوز توی اسفندییم بهار به‌هایی از: جعفر مدرس صادقی، پرویز دوایی**

● **تکه‌ای از جانش در همهٔ ما جاری است نوشتاری از سیروس علی‌نژاد دربارهٔ صدرالدین الهی**

● **من مهدی باگری نیستم گفت‌وگو با هادی حجازی‌فر کارگردان «موقعیت مهدی»**